

واژگان سال سوم

درس ۱

allow	اجازه دادن
at the end of	در انتهای
average	متوسط ، میانگین
careful (about)	مراقب
effect	اثر ، تأثیر
except	به جز
experiment	آزمایش
eyesight	بینایی
future	آینده
get ... away from	جدا کردن
harmful	مضر
holiday	تعطیلی
improve	بهبود بخشیدن
influence	تحت تأثیر قرار گرفتن
movie	فیلم
observation	تئیه ، مشاهده
once	یک بار
period	دوره
pressure	فشار
probably	احتمالاً
recent	اخیر
relax	آرامش
single	یکسان ، مفرد
skill	مهارت
stay	ماندن
struggle	کشمکش
successfully	باموفقیت
take a test	امتحان دادن

درس ۲

as soon as	به محض این‌که
ashamed (of)	شرمند
discussion	بحث
education	تعلیم و تربیت ، آموزش
end	هدف
examine	امتحان کردن
fashionable	مد
fit	آماده کردن
forbid	ممنوع کردن
goal	هدف
honest	صادق
however	به هر حال
in fact	در حقیقت
in other words	به عبارت دیگر
insist on	پافشاری کردن
lie (v)	دراز کشیدن ، قرار داشتن
means	وسیله
nation	ملت
passenger	مسافر
perfect	کامل
possible	امکان پذیر
prepare	آماده کردن
produce	تولید کردن
realize	فهمیدن ، درک کردن
refuse	رد کردن
service	خدمت
show	نشان دادن
society	جامعه
useful	مفید
value	ارزش

درس ۳

ability	توانایی
area	ناحیه
basis	اساس
briefly	به طور خلاصه، به طور کم
conscious	آگاه
detail	جزئیات
emotional	احساسی
even (adj)	یکنواخت، یکسان
event	فادنه
exist	وجود داشتن
information	اطلاعات
look after	مراقبت کردن
loss	فقدان
mental	روانی
occur	اتفاقی کردن
psychologist	روانشناس
recall	به یاد آوردن
record	نگه داشتن، ضبط کردن
responsible (for)	مسئول
search for	جستجو کردن

درس ۴

and so on	و غیره
athlete	ورزشکار
attract	جذب کردن
award	اعطا کردن
basically	اساساً
bottom	پایین
celebration	جشن
competition	رقابت

consist of	شامل شدن
depth	عمق
encourage	تشویق کردن
envelope	پاکت نامه
force	نیرو
fortune	شانس
friendship	دوستی
heat	گرمی
height	بلندی ، ارتفاع
hold	نگه داشتن - برگزار کردن
immediately	بلافاصله
include	شامل شدن
individual	فرد ، شخص
instructions	دستورالعمل
international	بین المللی
lake	دریاچه
length	طول
measure	اندازه گیری کردن
operate	عمل کردن
organize	سازمان دادن
religious	مذهبی
serious	جدی

درس ۵

amused	سرگرم
bored	کسل
confused	گیج
exciting	هیجان انگیز
far apart	دور از
fast (v)	روزه گرفتن
fear	ترس
frightened	ترسیده

habit	عادت
instead (of)	به جای ، در عوض
invent	اقتراع کردن
involve	شامل شدن
keep accounts	مسابدهاری کردن
manage	اداره کردن ، تنظیم کردن
meal	وعده ی غذایی
report	گزارش
smell	بو دادن
taste	مزه کردن

درس ۶

action	عمل
aspect	جنبه
available	در دسترس
by means of	به وسیله
capacity	ظرفیت
chemist	داروساز
constantly	به طور ثابت — همواره
deny	رد کردن
design	طراحی کردن
disabled	مغلول
drug	دارو
endeavour	تلاش
entertainment	تفریح ، سرگرمی
exactly	دقیقاً
furthermore	علاوه بر این
giant	غول آسا
handle	اداره کردن
in addition to	علاوه بر
influence	تأثیر گذاشتن ، اثر

inform	آگاه کردن
orbit	پرشیدن
otherwise	در غیر این صورت
perform	انجام دادن
process	پردازش کردن
properly	به درستی
research	تقصیق کردن
separate	جدا ، میزرا
task	عمل ، وظیفه
tower	برج

meslir